





دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان

تغلیظ دیه در حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر اسماعیل هادی تبار

استاد مشاور:

دکتر سید ابراهیم قدسی

دانشجو:

صاحب فردایی مقدم

تیر ۹۶

ب

سپاسگزاری

رسول خدا فرمودند:

«من علمنی حرفاً فقد سیرنی عبداً»

به مصداق حدیث شریف «من لم یشکر الناس لم یشکر الله» تشکر و سپاس صمیمانه خود را اعلام می‌دارم، از ارشادات استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر اسماعیل هادی تبار به‌عنوان استاد راهنما و با تشکر و سپاس خالصانه از زحمات و مشورت‌های استاد ارجمندم جناب آقای دکتر سید ابراهیم قدسی به‌عنوان استاد مشاور.

تقدیم به:

پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم. و به

مادرم، دریای بیکران فداکاری، که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر.

و به برادرم، صابر!

چکیده

دیه مطابق تعریف ارجح، مال واجبی است که به سبب جنایت بر نفس یا مادون نفس (اعضا) انسان آزاد به مجنی علیه یا اولیای او پرداخت می‌شود و در اثر وجود اسبابی تشدید می‌یابد و بر ارزش مالی آن افزوده می‌گردد. در میان جوامع قبل از اسلام دیه به تناسب جایگاه اجتماعی فرد مقتول و شرافت و نسبت خانوادگی او تغلیظ می‌شد. تغلیظ دیه از جمله کیفیات مشدده عینی است و بدین صورت است که اگر صدمه و فوت در یکی از ماه‌های حرام و یا در محدوده حرم مکه واقع شود، یک‌سوم دیه بر میزان تعیین شده افزوده می‌گردد که از آن به تغلیظ دیه تعبیر می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی برای همه انواع قتل‌ها (عمد، شبه عمد و خطای محض) تغلیظ دیه در نظر گرفته شده است.

با توجه به آنکه وقوع جنایت در میان انسان‌ها امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در بسیاری از این حالات نیز دیه لازم می‌آید و نیز نظر به ارزش قابل توجه میزان دیه در غالب موارد و برای بیشتر افراد و مدنظر قرار دادن آنکه بسیاری از دعاوی مردم برسد مسائل مالی است و اینکه تغلیظ دیه و یا عدم آن تأثیر قابل توجهی در ارزش دیه دارد و مدنظر داشتن این موضوع که میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظرهای جدی و تأثیرگذاری در بحث تغلیظ دیه وجود دارد و از امور مبتلا به مردم است، لذا در این پژوهش پس از بیان کلیات مربوط به دیات، بررسی تاریخیچه آن و ماهیت دیه به شرح فلسفه دیه مبادرت می‌شود و در انتها سعی می‌شود بابت نظرات حقوقدانان و فقها به بازکاوی و شرح ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی پرداخته شود تا معین گردد که آیا جمع اسباب موجب تغلیظ مضاعف دیه می‌شود؟ آیا تغلیظ دیه در قتل‌های غیرعمدی با اصول حقوقی سازگاری دارد؟ آیا تغلیظ دیه بر عاقله هم اعمال می‌شود؟ چنین سؤالاتی اهم مباحثی است که در این پژوهش مورد بررسی واقع شده است.

واژگان کلیدی: تغلیظ دیه، قتل عمد، قتل شبه عمد، قتل خطای محض، ماه‌های حرام

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	۱- بیان مسأله:
۳	۲- پیشینه پژوهش:
۳	۳- سؤال‌های پژوهش:
۴	۴- فرضیه‌های پژوهش:
۴	۵- حدود پژوهش:
۴	۶- اهداف پژوهش:
۴	۷- روش پژوهش:
۴	۸- ساماندهی پژوهش:
۶	فصل اول: کلیات
۷	۱-۱- مفهوم دیه:
۷	۱-۱-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی دیه:
۹	۱-۱-۲- دیه در اصطلاح حقوقدانان:
۱۰	۱-۱-۳- تعریف فقهای امامیه از دیه:
۱۱	۱-۲- پیشینه دیات:
۱۱	۱-۲-۱- پیشینه دیات در سرزمین‌ها و آئین‌های مختلف
۱۱	۱-۲-۱-۱- دیه در مجموع قوانین حمورابی
۱۳	۱-۲-۱-۲- دیه در حقوق روم
۱۳	۱-۲-۱-۳- دیه در حقوق آنگلوساکسون
۱۴	۱-۲-۱-۴- دیه در قوانین ابتدایی
۱۴	۱-۲-۱-۵- دیه در دین یهود
۱۵	۱-۲-۱-۶- دیه در عصر جاهلیت
۱۶	۱-۲-۲- تاریخچه دیه قبل از اسلام
۱۷	۱-۲-۲-۱- مبنای خونخواهی پیش از اسلام:
۱۸	۱-۲-۲-۲- خونخواهی مسئله‌ای است اجتماعی یا شخصی و خصوصی؟

- ۱۸-۳-۲-۱- دیه اختیاری پیش از اسلام.....
- ۱۹-۳-۲-۱- دیه در دین مبین اسلام.....
- ۲۰-۳-۲-۱- سیر تحولات قانون دیه در ایران:.....
- ۲۲-۳-۱- ادله مشروعیت دیه و فلسفه آن.....
- ۲۲-۳-۱- ادله مشروعیت دیه.....
- ۲۲-۳-۱-۱- قرآن.....
- ۲۳-۳-۱-۲- سنت نبوی.....
- ۲۳-۳-۱-۳- اجماع.....
- ۲۳-۳-۲- فلسفه دیه.....
- ۲۵-۴-۱- ماهیت دیه.....
- ۲۶-۴-۱- نظریه جبران خسارت بودن دیه.....
- ۲۷-۴-۲- نظریه مجازات بودن دیه.....
- ۲۸-۴-۳- نظریه تفکیک در ماهیت دیه.....
- ۲۹-۴-۴- نظریه ماهیت دوگانه بودن دیه.....
- ۲۹-۵-۱- اسباب وجوب دیه:.....
- ۲۹-۵-۱- قتل:.....
- ۳۰-۵-۲- جرح.....
- ۳۰-۶-۱- تفاوت دیه و بیمه عمر.....
- ۳۱-۷-۱- تغییرناپذیری دیه.....
- فصل دوم: کیفیت تغلیظ دیه.....**
- ۳۳-۲-۱- مفهوم تغلیظ دیه.....
- ۳۳-۲-۱-۱- معانی لغوی تغلیظ دیه:.....
- ۳۴-۲-۱-۲- تعریف اصطلاحی تغلیظ دیه.....
- ۳۵-۲-۱-۳- تغلیظ دیه در کلام فقها و حقوق موضوعه.....
- ۳۶-۲-۱-۴- تغلیظ دیه در فقه اهل سنت.....
- ۳۷-۲-۲- تاریخچه تغلیظ دیه.....
- ۳۹-۲-۳- منابع تغلیظ دیه.....

- ۴۰-۲-۴- علت تغلیظ دیه:.....
- ۴۱-۲-۵- ماه‌های حرام که عبارت است از:.....
- ۴۱-۲-۵-۱- ماه‌های حرام کدام است؟.....
- ۴۲-۲-۵-۲- فلسفه ماه‌های حرام.....
- ۴۲-۲-۶- ماهیت دیه اضافی.....
- ۴۳-۲-۷- تغلیظ در دیه مورد مصالحه.....
- ۴۳-۲-۸- تغلیظ نسبت به دیه اعضاء.....
- ۴۴-۲-۹- برخی خصیصه‌های تغلیظ دیه و دیه.....
- ۴۴-۲-۱۰- دو مسئله در تغلیظ دیه.....
- ۴۵-۲-۱۱- روشهای تغلیظ دیه.....
- ۴۶-۲-۱۱-۱- تغلیظ دیه به اعتبار پرداخت‌کننده در قانون مجازات اسلامی.....
- ۴۷-۳-۱۱-۲- نحوه تغلیظ دیه از حیث وصف و سن شتران در قانون مجازات اسلامی.....
- ۴۸-۲-۱۱-۳- تغلیظ دیه با افزودن یک‌سوم در قانون مجازات اسلامی.....
- فصل سوّم: موارد تغلیظ دیه.....**
- ۵۱-۳-۱- دیه قتل در ماه‌های حرام.....
- ۵۱-۳-۲- دیه قتل در حرم.....
- ۵۱-۳-۲-۱- حکم قتل در حرم مکه.....
- ۵۲-۳-۲-۲- لزوم حفظ حرمت حرم.....
- ۵۳-۳-۲-۳- حکم قتل در حرم مدینه.....
- ۵۳-۳-۲-۴- حکم قتل در سایر مکان‌های مقدس.....
- ۵۴-۳-۳- دیه قتل در حال احرام.....
- ۵۵-۳-۴- تغلیظ دیه هنگام فوت و صدمه در یک ماه.....
- ۵۵-۳-۵- تغلیظ در فاضل دیه.....
- ۵۶-۳-۶- تغلیظ دیه کافر.....
- ۵۷-۳-۷- تغلیظ دیه در قتل اقارب.....
- ۵۷-۳-۸- اجتماع دو سبب تغلیظ.....
- ۵۷-۳-۸-۱- طرفداران تغلیظ مضاعف.....

- ۳-۸-۲- طرفداران عدم تغلیظ مضاعف ۵۸
- ۳-۸-۲- ۱- اصل برائت: ۵۸
- ۳-۸-۲- ۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات ۵۹
- ۳-۹- تغلیظ دیه و مسئولیت بیت‌المال ۵۹
- ۳-۱۰- اشکالات قابل طرح در مسئولیت پرداخت دیه مغلظه از سوی بیت‌المال ۶۰
- ۳-۱۰-۱- استثنا بر اصل شخصی بودن مجازات ۶۰
- ۳-۱۰-۲- پایمال نشدن خون مسلمان ۶۱
- ۳-۱۰-۳- لزوم احتیاط در هزینه کردن بیت‌المال ۶۲
- ۳-۱۱- تغلیظ دیه و مسئولیت عاقله ۶۲
- ۳-۱۲- صلاحیت محلی در مورد جرم واقع شده در مکه ۶۳
- ۳-۱۳- تغلیظ دیه به اعتبار نوع قتل ۶۴
- ۳-۱۳-۱- تغلیظ دیه در قتل عمد ۶۴
- ۳-۱۳-۱-۱- تغلیظ دیه در قتل عمد از دیدگاه فقهی ۶۴
- ۳-۱۳-۱-۲- تغلیظ دیه در قتل عمد از نظر حقوقی ۶۵
- ۳-۱۳-۱-۳- آیا تغلیظ در قتل عمد مخالف اصول مسلم حقوق جزاست؟ ۶۵
- ۳-۱۳-۲- تغلیظ دیه در قتل شبه عمد ۶۶
- ۳-۱۳-۲-۱- تغلیظ دیه در قتل شبه عمد از دیدگاه فقهی ۶۶
- ۳-۱۳-۲-۲- تغلیظ دیه در قتل شبه عمد از نظر حقوقی ۶۷
- ۳-۱۳-۲-۳- آیا تغلیظ در قتل غیر عمد مخالف اصول مسلم حقوق جزاست؟ ۶۷
- ۳-۱۳-۳- تغلیظ دیه در قتل خطای محض ۶۸
- ۳-۱۴- نوآوری‌های تغلیظ دیه در قانون مجازات اسلامی جدید ۶۸
- نتیجه‌گیری: ۷۰
- منابع: ۷۳

مقدمه

۱- بیان مسأله:

جنگ‌های پی‌درپی، بین قبایل عرب قبل از اسلام، عرب جاهلیت را بر آن داشت که ماه‌هایی را به‌عنوان «ماه‌های حرام» اعلام نمایند تا مردم در فضای آتش‌بس حاصل از این سنت حسنه که از زمان حضرت ابراهیم (ع) پایه‌گذاری شده بود، فارغ از جنگ و خونریزی به تجارت و زندگی بپردازند. بعد از ظهور اسلام این موضوع مورد احترام قرار گرفت و نبی اکرم (ص) آن را تأیید و امضاء نمود. از این رو یکی از احکام امضایی دین مبین اسلام، پرداخت دیه هست که کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی جدید عنوان کتاب «دیات» را به خود اختصاص داده است و به تبعیت از نظر جمهور فقهای امامیه حکم تغلیظ دیه را به رسمیت شناخته است.

ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه» یا در محدوده حرم مکه، واقع شود، خواه جنایت عمدی یا غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست.»

در رابطه با پرداخت تغلیظ دیه از بیت‌المال، نظرات موافق و مخالفی وجود دارد که به پاره‌ای از روایات استناد کرده‌اند:

در صحیح‌ه کلبی اسدی آمده است: «سألت أبا عبدالله عن الرجل يقتل في الشهر الحرام ماديته قال ديه و ثلث» در مورد میزان دیه شخصی که در ماه حرام به قتل رسید، سوال کردم امام فرمودند: «دیه مقتول به میزان دیه کامله و ثلث آن است» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۲۸۲).

دقت در روایاتی که پرداخت دیه را بر عهده عاقله و امام قرار داده است، گویای این نکته است که در مواردی که بیت‌المال مسئول پرداخت دیه است، هیچ تغییری در کیفیت و مقدار دیه صورت نمی‌گیرد، تنها اتفاقی که رخ

می‌دهد آن است که بیت‌المال جایگزین قاتل می‌شود روایت سلمه بن کهیل، شاهی است بر این مدعا. در ذیل روایت مذکور از حضرت علی (ع) است، آمده است: «فانا ولیه و المودی عنه و لا ابطال [ایبطل] دم امری مسلم.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۸۲).

عبارت «انا ولیه و المودی عنه» ظهور در این نکته دارد که امام به نیابت از قاتل، دیه را می‌پردازد بنابراین همان مقداری را که باید قاتل بپردازد، امام از ناحیه او پرداخت می‌کند خواه میزان دیه، تنها یک دیه کامله باشد یا دیه و ثلث آن.

یکی از ادله مخالفین این است که می‌گویند: «مهم‌ترین مبنای مسئولیت بیت‌المال که عبارت است از «هدر رفتن خون مسلمان»، قابل تعمیم نسبت به تغلیظ دیه نیست، زیرا با پرداخت نکردن ثلث زاید نیز خون مسلمان پایمال نخواهد شد.»

شاید بتوان بر اساس احکام فقهی اسلام، دایره شمول این اصل را گسترده‌تر دانست و به رایین عقیده بود که خون هیچ محقون الدمی ضایع نمی‌شود بر همین اساس، قاتل و یا متعهدان وی باید تاوان عملشان را بپردازند؛ حال این تاوان با توجه به نوع قتل و کیفیت وقوع آن می‌تواند متفاوت باشد. در مورد تغلیظ دیه قتل در ماه‌های حرام، همه علماء اتفاق نظر دارند، آنجا که صاحب جواهر معتقد است که هر دو قسم اجماع (محصل و منقول) در این زمینه وجود دارد و هیچ اختلاف نظری وجود ندارد (نجفی، ۱۳۴۳: ۲۶).

صرف نظر اینکه ماهیت حقوقی دیات را مجازات یا جبران و یا غیر این دو بدانیم یکی از پرسش‌هایی که در خصوص پرداخت دیه اعم از آنکه بدل از قصاص باشد یا نباشد - مطرح می‌شود، آن است که آیا زمان یا مکان وقوع قتل اعم از عمدی و غیرعمدی در تعیین میزان مالی که به‌عنوان دیه پرداخت می‌شود، مؤثر است و به تعبیر دقیق‌تر از آنجا که بر تصریح قرآن کریم برخی از ماه‌های سال، حرام نامیده شده است، «ان عده الشهر عندالله اثنا عشر فی کتاب الله یوم خلق اسموات و الارض منها اربعه حرم...» (توبه، ۳۶).

بررسی این موضوع از آن جهت است که بر اساس قانون مجازات اسلامی برای وقوع قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه، حتی اگر خطای محض باشد، تغلیظ دیه به میزان یک‌سوم دیه کامل مقرر شده است؛ و این موضوع باعث به

وجود آمدن هزینه‌های هنگفت و ایجاد شبهاتی در این زمینه شده است؛ و با توجه به قیود عمدی و غیرعمدی بودن و اسباب تغلیظ در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی، مبانی فقهی- حقوقی این حکم و همچنین موضوعاتی از قبیل اینکه، آیا جمع اسباب موجب تغلیظ مضاعف دیه می‌شود؟ آیا تغلیظ دیه در قتل‌های غیرعمدی با اصول حقوقی سازگاری دارد؟ آیا تغلیظ دیه بر عاقله هم اعمال می‌شود؟ در این پایان نامه قابل بررسی می‌باشند.

۲- پیشینه پژوهش:

در رابطه با این موضوع، مطالب متعددی در کتب و منابع مختلف آورده شده است ولی همه جوانب آن مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

۱- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۸۱

۲- قدمی، حامد، تغلیظ دیه در حقوق کیفری ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰

۳- معرفت، محمد هادی، تغلیظ دیه و جنایت عمد در ماه حرام، مجله دادرسی، ۱۳۷۶

۴- فتحی، محمد جواد، انواع تغلیظ دیه در فقه و حقوق کیفری ایران، پژوهش‌های فقهی، ۱۳۹۳

۳- سؤال‌های پژوهش:

۱- آیا جمع اسباب موجب تغلیظ مضاعف دیه می‌شود؟

۲- آیا تغلیظ دیه در قتل‌های غیرعمدی با اصول حقوقی سازگاری دارد؟

۳- آیا تغلیظ دیه بر عاقله هم اعمال می‌شود؟

۴- فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- اصل برائت و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات موجب عدم تغلیظ مضاعف دیه می‌شود.
- ۲- تغلیظ دیه در قتل‌های غیرعمدی با اصول حقوقی سازگاری ندارد.
- ۳- بر مبنای اصل شخصی بودن مجازات تغلیظ دیه بر عاقله قابل‌اعمال نیست.

۵- حدود پژوهش:

قانون مجازات اسلامی و منابع فقهی معتبر.

۶- اهداف پژوهش:

به نظر می‌رسد موضوع مدنظر اگرچه جایگاهی برای خود در قانون مجازات اسلامی به دست آمده است ولی قیود عمدی و غیرعمدی و اسباب تغلیظ باعث شده که این موضوع شبهاتی را در خود به وجود بیاورد لذا برای آشنایی بیشتر جامعه حقوق و بخصوص دانشجویان به تقریر این موضوع می‌پردازیم.

۷- روش پژوهش:

به صورت توصیفی، از طریق مطالعه کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها است.

۸- ساماندهی پژوهش:

تحقیق پیش‌رو در سه فصل کلیات، کیفیت تغلیظ دیه و موارد تغلیظ دیه نگارش شده است که در فصل کلیات به تعریف، تاریخچه و ماهیت دیه پرداخته شده است. در فصل دوم به کیفیت تغلیظ دیه و رویکرد قانون‌گذار ایران

اشاره شده است و در انتها در فصل سوم به بررسی موارد تغلیظ دیه پرداخته شده و در آخر به نتیجه گیری

می پردازیم

فصل اول:

کلیات

۱-۱- مفهوم دیه:

برای درک بهتر مفهوم دیه، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی و سپس تعریف حقوقدانان و فقها از دیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی دیه:

دیه که یک واژه عربی است. در اصل به صورت وَدی بوده است که حرف «واو» از اول آن حذف شده است و حرف «ها» در آخر کلمه به جای آن قرار گرفته است؛ مانند هبه که اصل آن وهب است. وَدی معانی مختلفی دارد همچون جاری شدن چیزی، جاری شدن چیز مایع، نابودی، هلاکت و... هنگامی که این کلمه به صورت دیه درمی آید معانی خون‌بهای مقتول یا عضو را پیدا می‌کند و این معنا به معنای اصلی کلمه نیز نزدیک است، چون عامل خون‌بها، ریختن و جاری کردن خون مجنی علیه است؛ و به اصطلاح در اینجا علت، جاری کردن خون معلول، خون‌بهاست که هرگاه به صورت فعل وَدی درآید به معنای پرداخت خون‌بها خواهد بود. (ابن منظور، ۱۳۱۱: ۸۳)

صاحب جواهر دیه را این‌چنین تعریف کرده است:

منظور از دیه در این بحث مالی است که به واسطه ارتکاب جنایت بر نفس یا اعضای انسان حر واجب می‌شود چه میزان مشخصی برای آن باشد و چه نباشد هر چند دیه معین را اصطلاحاً دیه و دیه نامعین را ارش و حکومت می‌نامند^۱. (نجفی، ۱۳۹۸: ۲)

در قسمت دیگری از کتاب جواهر الکلام آمده است:

^۱ . و المراد بها منا المال الواجب بالجناية على الحرفى النفس أو مادونها سواء كان له مقدر أولا وإن كان ربهما اختصت بالأول والثاني بالأرش والحكومة

دیات جمع دیه به کسر اول و تخفیف یاء است، تشدید یاء خطا است. «هاء» در آن به عوض فاء الفعل کلمه است؛ زیرا اصل دیه «ودی» مانند «وعد» است. کلمه دیه از ودی اخذ شده که به معنی پرداخت تأدیه خون بهاست و می‌گویند: «ودیت القتیل ادیه دیه»^۱. (نجفی، ۱۳۹۸: ق: ۲)

واژه دیه در لغت به معنی عقل ((منع)) است و زیرا ادای دیه مانع خونریزی می‌شود و یکی از معانی عقل، منع است گاهی هم دیه به معنی دم به کار می‌رود که از باب تسمیه مسبب به اسم سبب است و در اینجا مقصود مالی است که تأدیه‌اش بر شخص آزاد به سبب ارتکاب جنایت بر نفس یا غیر آن واجب می‌شود، خواه مقدار مبلغ دیه از سوی شارع معین شده باشد یا نه؛ هرچند که دیه را معمولاً در مورد اول «یعنی نفس» به کار می‌برند و در مورد دوم ((اعضا)) اصطلاح ارش و حکومت استعمال می‌کنند و این از قبیل تسمیه به مصدر است. (نجفی، ۱۳۹۸: ق: ۲)

در منجد الطالب آمده که دیه در اصل «ودی» یا «ودیه» بوده و «واو» حذف گردیده است و «ها» در آخر به آن اضافه شده است. (بندر ریگی، ۱۳۸۶: ۶۲۵)

راغب اصفهانی دیه را این‌گونه تعریف کرده است:

آنچه در خون (قتل) پرداخت می‌شود دیه نام دارد.^۲ (راغب اصفهانی، ۱۳۹۵: ۵۵۵)

در قاموس دیه را این‌گونه تعریف کرده است:

«دیه خون بهاست که حق کشته شده (قتیل) هست». (قریشی، ۱۳۷۲: ۱۹۵)

^۱ «الدیات جمع دیه بالكسر و بتخفیف الیاء، بل التشدید لحن، والهافیها عوض فاء الكلمة إذا الاصل و دیه كوعده، لأنها مأخوذة من الودی و هو دفع الدیه، يقال». «و دیت القتیل ادیه دیه»
^۲ «يقال لما يعطى في الدم ديه»

۲-۱-۱- دیه در اصطلاح حقوقدانان:

تعریف دیه طبق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی این گونه است: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود»^۱.

ماده ۴۴۸ بخش دیات نیز دیه را چنین تعریف می کند: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است»^۲.

با توجه به تعاریف فوق می توان نتیجه گرفت که: (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۲)

الف) دیه در دو ماده فوق به عنوان مال مطرح شده است.

ب) مرجع تعیین کننده دیه شریعت است، پس مرجع دیگری نمی تواند نوع و مقدار آن را تعیین نماید.

ج) در هر دو ماده اصطلاح جنایت به کار رفته است، و منظور از جنایت وارده شده آسیب عمدی و غیر عمدی بر جسم است و با جرم فرق دارد.

د) از قرائن برمی آید که مجنی علیه انسان است نه چیز دیگر، اما زنده و مرده هر دو را شامل می شود.

ه) منظور از نفس همان جان و منظور از عضو همان اندامهای ظاهری بدن است؛ اما می توان با تسامح آن ها را شامل منافع یا زبان معنوی هم دانست.

۱ - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲ - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

و) پرداخت دیه، وابسته به وقوع جنایت است. تا جنایتی انجام نشود دیه‌ای پرداخت نمی‌شود.

ز) منظور از واژه سبب به معنی علت است، یعنی کسی که جنایت بر او ثابت شود مسئول پرداخت دیه

است. (زراعت، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۶)

۳-۱-۱- تعریف فقهای امامیه از دیه:

آیت‌الله خویی فرموده است: «دیه مالی است که در جنایت بر نفس، اعضا و یا ایراد جرح و مانند این‌ها (از

طرف شارع) مقرر و معین گردیده است.» (خویی، ۱۳۸۲: ۲۵)

امام خمینی در تحریر الوسيله در تعريف ديه چنین فرموده است:

دیات جمع دیه - با تخفیف یا - هست و «دیه» مالی است که به دلیل جنایت بر نفس فرد آزاد و یا کمتر

از آن (نفس) واجب می‌شود، چه میزان آن معین باشد چه نباشد بسا مواردی را که میزان آن معین نباشد ارش و

حکومت می‌گویند و مقدار معین، دیه نامیده شده است.^۱ (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۹۸)

دکتر گرجی می‌گوید: «گرامت‌های مالی را که شخص جانی در جنایت‌های غیر عمدی، باید بپردازد را دیات

می‌گویند؛ و همین‌طور در جنایت‌های عمدی در صورتی که محنی علیه یا اولیای او به جای قصاص به دریافت غرامت

مالی صلح کنند. مقدار این غرامت‌ها در شریعت اسلام غالباً تعیین شده است ولی مجنی علیه یا اولیاء او می‌توانند

ازلحاظ مقدار باجانی صلح کنند.» (گرجی، ۱۳۷۲: ۲۸۶)

^۱ . و هی جمع الدیه بتخفیف الیاء و هی المال الواجب بالجنایة علی الحر فی النفس أو مادونها، سواء کان مقدرأ أولاً و ربما یسمی غیر المقدر بالارش و الحکومة و المقدر بالدية

۲-۱- پیشینه دیات:

بعد از بیان مفهوم دیه به‌طور خلاصه، به بیان پیشینه دیات در سرزمین‌های مختلف پرداخته می‌شود که در ملل گذشته و قبل از ظهور دین اسلام در حقوق روم، بابل و... چگونه بوده است. بعد از آن به دیه نزد عرب پیش از اسلام و در زمان اسلام پرداخته می‌شود که دیه در دیدگاه آن‌ها چگونه بوده است؛ و همچنین در کشور ایران چه مسیری را پیموده است.

۱-۲-۱- پیشینه دیات در سرزمین‌ها و آئین‌های مختلف

وقتی تاریخ اقوام و ملل گذشته را مطالعه می‌کنیم قوانین زیادی را درباره دیه می‌بینیم که به شکل‌های مختلف در جوامع بشری وجود داشته، چه در جوامع ابتدایی و چه در جوامع قبل از اسلام، اعراب جاهلیت نیز تن به دیه داده بودند، چون این کمک مالی باعث می‌شد که جلوی بسیاری از خونریزی‌ها گرفته شود. بعد از آمدن پیامبر اسلام نیز این سنت مورد تأیید پیامبر قرار گرفت مانند خیلی از سنت‌هایی که در دوران قبل از اسلام وجود داشتند و به تأیید پیامبر رسیده بودند. در واقع قانون دیه یک حکم امضایی است که به تأیید شارع رسیده است در نتیجه این حکم در جامعه ادامه پیدا کرد و هم‌اکنون باعث می‌شود که بسیاری از خلأهایی که با از دست رفتن یک فرد ایجاد می‌شود جبران شود. پس می‌بینیم که قانون دیه تنها اختصاص به جوامع اسلامی ندارد بلکه انسان ذاتاً به چنین چیزی معتقد است چه اعتقاد به قانون الهی داشته باشد چه نداشته باشد، اکنون نظام دیات را در برخی جوامع بشری که پایبند به قانون دیه بودند را بیان می‌کنیم:

۱-۲-۱-۱- دیه در مجموع قوانین حمورابی

ضمن کاوش‌های باستانی که در منطقه شوش بین سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۹۰۲ انجام شد، یک گروه فرانسوی موفق به کشف یکی از پرارزش‌ترین منابع تاریخ حقوق، یعنی «مجموعه قوانین حمورابی» شدند. این مجموع قوانین، بر سنگی به طول دو و نیم، به عرض یک و نیم متر حک شده و قدیمی‌ترین و کامل‌ترین قوانین مربوط به